

آقای صالحی شما خواهان افزایش دستمزدها نیستید

جمیل محمدی

چهارشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۸۷

اخیرا محمود صالحی با نوشته ای تحت عنوان: "ما همه خواستار افزایش دستمزدها هستیم" بطرز عجیبی با بر حذر کردن کردن کارگران از خواست افزایش دستمزدها اعلام نمود: ایشان هم خواهان افزایش دستمزدها هستند!!! نمی دانم بر پیشانی ما کارگران چه نوع عبداللهی حک شده است که برخی ها براحتی به خود اجازه میدهند از طریق اعلام همدردی و همراهی با کارگران، آنان را با به رخ کشیدن قدرت سرکوب بورژوازی و امکانات قانونی اش از طرح خواست هایشان باز بدارند و با جا زدن تلاشهای ریاکارانه خانه کارگر بمثابة تلاش کارگران برای افزایش دستمزدها، مبارزه کارگران برای افزایش دستمزدها را بیهوده اعلام نمایند. در زمینه اثبات رویکردهای فوق توسط محمود صالحی هیچ استدلالی بالاتر از ارجاع به نوشته خود ایشان نیست و من تلاش خواهم کرد بدون وارد شدن به یک بحث اثباتی حول مسئله افزایش دستمزدها و یا تحلیلهای نظری، با استفاده از نوشته خود محمود (داخل گیومه) اظهارات وی را مورد و اشکافی قرار داده و آنرا در معرض قضاوت کارگران و افکار عمومی قرار بدهم. محمود می نویسد:

۱- "سالهاست که اعتراض به افزایش دستمزد در کشور ما، به یک امر طبیعی تبدیل شده است. اما هیچ وقت به خواست ما اعتراض کنندگان، در شورای عالی کار توجه نشده و هر دستمزدی که خود شورای عالی کار تعیین کرده، وزارت کار هم آن را جهت اجرا به ادارات کار ابلاغ کرده است. اعتراض ما هم بی نتیجه مانده، یعنی به دنبال تصویب دستمزد از طرف شورای عالی کار هیچ اعتراضی از طرف ما مزدبگیران به وقوع نپیوسته است، می دانید چرا؟ چون ما کارگران تا به امروز تنها به نوشتن نامه و طومار اکتفا کردیم."

محمود در سطور بالا طوری صحبت میکند که اگر کسی نداند فکر خواهد کرد جمعیت دهها میلیونی کارگران ایران سالهاست در اعتراض به سطح پایین دستمزدها مشغول نامه نگاری و جمع آوری طومار بوده اند و بورژوازی به این حرکت کارگران وقعی ننهاده است.

باید از محمود و برای آگاهی افکار عمومی از ایشان پرسید: به جز پارسال که به همت اتحادیه آزاد کارگران ایران، آنهم در سطح محدودی کارگران کارخانه ها با اسم و رسم خود و کارخانه هایشان خواهان افزایش چندین برابری دستمزدها شدند دیگر در چه زمانی کارگران در صفوف هزاران نفره و با اسم اصلی خود و کارخانه هایشان طومار امضا کرده اند که به زعم ایشان بی فایدهی این نوع کارها به اثبات رسیده است.

البته محمود خود این را بهتر از هر کسی میداند که چنین اتفاقی نیافتاده است اما وی از یک سو با طرح و بزرگنمایی "اتفاقی نیافتاده" و از سوی دیگر با گرفتن ژست "ما نیز خواهان افزایش دستمزدها هستیم" بطرز ماهرانه ای تلاش دارد بیهودگی مبارزه کارگران برای افزایش دستمزدها را ثابت نماید تا بدینوسیله قادر شود با پاشیدن بذر نومیدی در میان کارگران، آنان را از شرکت و دخالت فعال در جنبش افزایش دستمزدها در سطح کنونی اش باز بدارد.

۲- " بعد از تصویب حداقل دستمزد از طرف شورای عالی کار، آیا ما کارگران توانسته‌ایم این مصوبه را برای یک بار هم که شده لغو کنیم. من مطمئن هستم جواب ما کارگران به این پرسش منفی است. چرا؟ چون اگر اعتراض کنیم بلافاصله نیروهای محافظ کارفرما، ما را به عنوان اغتشاش‌گر و مخل نظم امنیت ملی دستگیر و روانه زندان می‌کنند." (به نقل از نوشته محمود)

به زعم محمود درسطوربالا، چون در گذشته کارگران نتوانسته‌اند در مورد افزایش دستمزدها کاری از پیش ببرند، دیگر نباید کاری کرد. چرا که کارگران به گفته وی هیچگاه در گذشته نتوانسته‌اند مصوبه شورای عالی کار را برای یک بار هم که شده، لغو کنند. بنا براین دیگر باید ساکت بنشینند و دم بر نیاورند چرا که علاوه بر این مسبوق به سابقه بودن عدم توانایی کارگران برای لغو مصوبه های شورای عالی کار، مسئله دستگیری به جرم اغتشاش‌گر و زندان رفتن نیز هست، پس باید زبان‌ها را گاز گرفت و لبها را دوخت و ترسید.

استنتاج از عدم توانایی کارگران در گذشته برای توسری زدن بر مبارزه امروز آنان و به رخ کشیدن قدرت سرمایه داران در سرکوب کارگران برای وادار کردن آنان به تمکین از دستمزدهای زیر خط فقر، نتیجه بلاواسطه استدلالهای فوق توسط محمود است که در جای جای ادامه نوشته اش به آن خواهیم خورد.

۳- محمود صالحی پس از مسبوق به سابقه کردن عدم توانایی کارگران برای در افتادن با بورژوازی و سپس با به رخ کشیدن قدرت سرمایه داران در سرکوب اعتراضات کارگری، در ادامه نوشته خود تلاش کرده است این بار با پرداختن به ماهیت تشکیل دهندگان شورای عالی کار، قدرت اداری و امکانات قانونی سرمایه داران را به رخ کارگران بکشد و با یادآوری دردهای کارگران از دست وزارت کار و درماندگی آنان در مقابل قدرت اداری و قانونی بورژوازی چنین نتیجه بگیرد:

"پس نتیجه می‌گیرم که وزارت کار و اداراتی که به شکلی با این وزارت ارتباط دارند، از ما نیستند" خوب آقای صالحی! اگر وزارت کار و اداراتی که با آن وزارت ارتباط دارند از ما کارگران بودند دیگر چه نیازی به مبارزه بود؟! مطمئن باشید ما کارگران بهتر از شما میدانیم که وزارت کار مهمل قانونی سرمایه داران برای زیر پا نهادن حقوق مان است. دقیقاً به همین دلیل هم است که در شرایط حاضر و سطح کنونی سازمانیابی کارگران، ما با بضاعت موجودمان، قصد دست به یقه شدن با وزارت کار و شورای عالی کارش را داریم تا حداقل ما کارگران را بردگان خاموش به حساب نیاورند و حساب دست‌شان بیاید که اگر امروز طومار جمع می‌کنیم فردا با افزایش بضاعت مان به خیابان نیز خواهیم ریخت. شما چه می‌گوئید و کجای این معادله و کشمکش قرار دارید؟ اصلاً فکر کنید ما طومار هزاران نفره هم جمع نمی‌کنیم و چند تشکل و کارخانه هم نیستیم که طومار اعتراضی جمع می‌کنیم. فکر کنید ما ۵ نفر کارگر هستیم و فقط نق می‌زنیم که دستمزدمان کم است. حال چون اداره کار از ما نیست و سرکوب مان میکنند شما می‌گوئید سرمان را پایین بیاندازیم و نق هم نزنیم و به بردگی خاموش خود ادامه دهیم؟ معلوم است که وزارت کار از ما نیست و دقیقاً به همین خاطر است که ما بدون منتظر شدن برای روزی موعود، با بضاعت موجودمان درصدد بهبود شرایط همین امروز زندگی مان هستیم و در این راستا قصد در افتادن با ارگانهای سرمایه داران را داریم .

۴- محمود در ادامه استدلال‌اتش برای بر حذر کردن کارگران از امضای طومار افزایش دستمزدها باز هم متوسل

به قدرت سرمایه داران شده است و با عدم توانایی برای پنهان کردن دم خروشش، این بار قدرت کارفرمایان را به رخ کارگران میکشد و می نویسد: "کارفرما هم کسی است که شبانه روز شیره جان ما کارگران را می مکد تا سرمایه برای خود و افراد تحت تکفلش را افزایش دهد. کارفرما آنقدر دستمزد به ما کارگران پرداخت می کند تا از گرسنگی نمیریم و بتوانم برای روزهای بعد سرمایه برای آنان تولید کنیم. هر زمان ما کارگران برای یک بار هم درخواست کنیم، که آقای کارفرما به فکر ما هم باشید، بلافاصله ما را از زمین و هوا مورد حمله قرار می دهند و ما را قتل عام می کنند. (کارگران خاتون آباد کرمان و ده ها موارد دیگر...)"

دقت کنید محمود مینویسد: "هر زمان ما کارگران برای یک بار هم درخواست کنیم، که آقای کارفرما به فکر ما هم باشید، بلافاصله ما را از زمین و هوا مورد حمله قرار می دهند و ما را قتل عام می کنند. (کارگران خاتون آباد کرمان و ده ها موارد دیگر...)"

پس معلوم شد مسئله محمود آنچنان که تا به حال در طول نوشته اش ادعا کرده است دست کم گرفتن طومار و نقد به این یک قلم شیوه بروز اعتراض کارگری نیست. بلکه وی همانطوریکه فوقاً اذعان میکند کارگران را با یادآوری قدرت کارفرما در به گلوله بستن شان، از به خیابان ریختن و اعتراض جدی تر هم بر حذر میدارد و به گلوله بسته شدن کارگران خاتون آباد را به رخ کارگران میکشد تا مبادا آنان برای خواست افزایش دستمزدها به خیابان بریزند. ایشان دیگر بحث اش بی نتیجه بودن طومارنویسی به عنوان یک شیوه اعتراضی نیست، بلکه تلاش دارد اعتراضات جدی تر کارگران برای افزایش دستمزدها را از طریق تجمعات خیابانی، مقهور قدرت کارفرمایان بنماید و آنان را به تمکین در برابر دستمزدهای زیر خط فقر بکشانند.

۴- محمود در تداوم کاشتن بذر نومیدی در میان کارگران، به ماهیت شورای عالی کار پرداخته و باز هم قدرت اداری سرمایه داران را به رخ آنان کشیده است. اما در ادامه و برای دومین بار، باز هم دم خروش نمایان شده و برای آوردن استدلالاتی بیشتر جهت به تمکین کشاندن کارگران برای قبول دستمزدهای زیر خط فقر، سخاوتمندانه تلاشهای ریاکارانه خانه کارگر را برای تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر بر کارگران، عین مبارزه طبقه کارگر برای افزایش دستمزدها جا زده است. با هم بخوانیم: "

"اعتراض به افزایش دستمزد هر سال از طرف خانه کار هم سرداده می شود و روزنامه کارو کارگر هر روز چند مطلب در مورد افزایش دستمزد را به چاپ می رساند، آیا این اعتراض تا به امروز توانسته وارد یک فاز عملی شود و کارگران را برای یک اعتصاب سراسری آماده کند؟ مسلماً نه."

گویی که خانه کارگر تشکل واقعی کارگران بوده و اعتراض آنان را به سطح دستمزدها نمایندگی کرده است و محمود با یادآوری عدم موفقیت این تشکل!!! تلاش کرده است کارگران را از دخالت فعال برای افزایش دستمزدها بر حذر دارد. الحق که ما کارگران باید از محمود بیاموزیم و از خانه کارگر نیز به دلیل ضد کارگری خواندش عذرخواهی کنیم. چرا که به زعم وی خانه کارگرها تا به حال اعتراض زیادی به سطح دستمزدها کرده اند. اما خوب چه میشود کرد همانطوریکه محمود در جای جای نوشته اش تکرار کرده است بورژوازی قدرت دارد و بیچاره! خانه کارگرها قادر نشده اند مبارزه کارگران برای افزایش دستمزدها را وارد یک فاز عملی بکنند و آنان را برای یک اعتصاب سراسری آماده بنمایند. خانه کارگر در این میان تقصیری نداشته است! بازوی سرکوب و تحمیق کارگران نبوده و اگر در باره

افزایش دستمزدها تا آنجا که به مبارزه کارگران برمیگردد مشکلی بوده است آن مشکل نه ماهیت ضد کارگری خانه کارگر، بل به زعم محمود عدم توانایی این نهاد ضد کارگری برای افزایش دستمزدها بوده است. سخاوتمندی محمود به خانه کارگر البته در بیان صرف نقش این نهاد ضد کارگری خاتمه پیدا نمیکند و ایشان در جمله بعدی سطوری که فوقاً از وی نقل شد کارگران فراخوان دهنده طومارخواست افزایش دستمزدها را چنین تعریف میکنند:

"شاید امروز کسانی تازه از راه رسیده، کارگران را برای افزایش دستمزد به نوشتن نامه و طومار راهنمایی کنند. اما این افراد هر چند هم که نیت خیر داشته باشند که من یقین دارم که دارند نمی توانند راه به جای ببرند." خوب پس به زعم محمود وقتی خانه کارگر نتواند پس از سی سال تلاش برای افزایش دستمزدها راه به جایی ببرد، طبیعی است که ایشان نقطه ضعف فراخوان دهندگان طومار افزایش دستمزدها را که سابقه سی ساله نیز ندارند یادآوری کند و با طرح آن بار دیگر ثابت نماید که آقا جان، بیهوده دست و پا نزنید خانه کارگر با آن عظمت و جبروتش نتوانسته است تاثیری بر افزایش دستمزدها داشته باشد آنوقت شما کوتوله های تازه از راه رسیده می خواهید منشا اثری در افزایش دستمزدها بشوید.

اما محمود پس از تلاشی سهمگین برای به تمکین کشاندن کارگران در برابر دستمزدهای زیر خط فقر از هول مخالفت با تلاش آنان برای افزایش دستمزدها، در پایان نوشته اش بند را بد جوری آب داده است و قبل از فراخوان دادن کارگران به مبارزه برای نفی سه جانبه گرایی، دچار یک تناقض گویی آشکار در مورد ادعاهایش در رد سه جانبه گرایی شده است. وی می نویسد:

"من به عنوان یک هم طبقه از این دوستان سوال می کنم: آیا با نوشتن نامه و طومار میتوان به افزایش دستمزد رسید؟ جواب منفی است. چرا چون ما کارگران هیچ نماینده ای در شورای عالی کار نداریم تا از مطالبات ما کارگران دفاع کنند." پس به زعم محمود در شورای عالی کار که در تصمیم گیریهایش به سه جانبه گرایی متکی است کارگران اگر نماینده ای واقعی داشته باشند چه بسا به خواست افزایش دستمزدها نائل میشوند. چرا که وی در اثبات جواب منفی اش به شیوه طومار نویسی برای افزایش دستمزدها، این بار کوشیده است بیهوده بودن چنین تلاشی را از سوی کارگران بدلیل نبود نماینده واقعی آنان در شورای عالی کار به اثبات برساند و بدین گونه محمود در پایان مخالفت اش با افزایش دستمزدهای کارگران به هر ریسمانی آویزان شده و رادیکالیزم حاشیه ای خود را نیز به پای سه جانبه گرایی میریزد و عدم موفقیت کارگران را برای افزایش دستمزدها از طریق طومار نویسی نبود نماینده واقعی آنان در شورای عالی کار ارزیابی میکند. **پایان**

جمیل محمدی

۱۳۸۷/۱۲/۱۴